



The Iranian Association of  
Medical Law



The Bioethics and Health  
Law Institute

## Feasibility Study of the Use of Artificial Intelligence in Medical and Therapeutic Proceedings with Emphasis on Governance Requirements in Respecting Individuals' Privacy

Seyed Amir Bashipour Haghighi<sup>1</sup>, Khadijeh Shojaeian<sup>1\*</sup>, Hosein Alaei<sup>1</sup>

1. Department of Public Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

### ABSTRACT

**Background and Aim:** Medical trials constitute a large proportion of judicial proceedings. The subject of medical and medical litigation is more important than other litigation from the perspective of protecting the privacy of individuals, because any disclosure of information related to medical records can overshadow the credibility of any party to the lawsuit (doctors, hospitals, patients). The question in this article, which is conducted in a descriptive-analytical manner, is: What are the positive and negative points of the use of artificial intelligence in medical and medical proceedings, considering the governmental requirements for respecting the privacy of individuals?

**Method:** The research method in this article is descriptive-analytical and in this regard, reliable library sources have been used.

**Ethical considerations:** In all stages of this research, the principles of research ethics have been observed. Including: respecting honesty and trustworthiness in collecting and analyzing information, using reliable sources and citing them accurately and maintaining privacy and confidentiality of information in the case of using sensitive data.

**Findings:** The conducted studies show that artificial intelligence in the field of medical and therapeutic proceedings can play an effective role in improving the efficiency, accuracy and speed of judicial processes. Various studies refer to the use of artificial intelligence in analyzing medical data, detecting medical errors and predicting treatment outcomes. However, there are also numerous legal and ethical challenges. Among these challenges, we can mention concerns related to protecting patient privacy, medical data security, liability in the event of AI errors and algorithmic discrimination.

**Conclusion:** The use of artificial intelligence in medical and therapeutic proceedings has great potential to improve judicial processes. However, for the effective and ethical use of this technology, it is necessary to pay attention to the governance requirements in protecting the privacy of individuals and to develop appropriate legal frameworks.

**Keywords:** Medical and Therapeutic Proceedings; Privacy; Governance Requirements; Artificial Intelligence; Citizen Rights; Smart Judge; Smartization

**Corresponding Author:** Khadijeh Shojaeian; **Email:** [Shojaeian1398@iau.ac.ir](mailto:Shojaeian1398@iau.ac.ir)

**Received:** June 10, 2024; **Accepted:** October 15, 2024; **Published Online:** June 02, 2025

### Please cite this article as:

Bashipour Haghighi SA, Shojaeian KH, Alaei H. Feasibility Study of the Use of Artificial Intelligence in Medical and Therapeutic Proceedings with Emphasis on Governance Requirements in Respecting Individuals' Privacy. Medical Law Journal. 2024; 18: e60.



## امکان سنجی کاربرد هوش مصنوعی در دادرسی‌های امور پزشکی و درمانی با تأکید بر الزامات حاکمیتی در رعایت حریم خصوصی اشخاص

سیدامیر باشی‌پور حقیقی<sup>۱</sup>، خدیجه شجاعیان<sup>۱\*</sup>، حسین علایی<sup>۱</sup>

۱. گروه حقوق عمومی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

### چکیده

**زمینه و هدف:** دادرسی‌های پزشکی، سهم بزرگی از رسیدگی‌های قضایی را تشکیل می‌دهند. موضوع دعاوی پزشکی و درمانی از منظر حفاظت از حریم خصوصی اشخاص از سایر دعاوی اهمیت بیشتری دارد، چراکه هرگونه افشای اطلاعات مربوط به پرونده‌های پزشکی، می‌تواند اعتبار هر یک از طرفین دعوی (پزشکان، بیمارستان‌ها، بیماران) را تحت‌الشعاع قرار دهد. سؤالی که در این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته، این است که با توجه به الزامات حاکمیتی در رعایت حریم خصوصی اشخاص، کاربرد هوش مصنوعی در دادرسی‌های امور پزشکی و درمانی، چه نکات ایجابی و سلبی دارد؟

**روش:** روش تحقیق در این مقاله، توصیفی - تحلیلی است و در این راستا، از منابع معتبر کتابخانه‌ای استفاده شده است.

**ملاحظات اخلاقی:** در تمامی مراحل این تحقیق، اصول اخلاق پژوهش رعایت شده است، از جمله رعایت صداقت و امانتداری در گردآوری و تحلیل اطلاعات، استفاده از منابع معتبر و استناد دقیق به آن‌ها و حفظ حریم خصوصی و محرمانگی اطلاعات در صورت استفاده از داده‌های حساس.

**یافته‌ها:** بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که هوش مصنوعی در حوزه دادرسی‌های پزشکی و درمانی می‌تواند نقش مؤثری در بهبود کارایی، دقت و سرعت فرآیندهای قضایی ایفا کند. مطالعات مختلف به کارگیری هوش مصنوعی در تحلیل داده‌های پزشکی، تشخیص خطاهای درمانی و پیش‌بینی نتایج درمانی اشاره دارند، با این حال، چالش‌های حقوقی و اخلاقی متعددی نیز مطرح است، از جمله این چالش‌ها می‌توان به نگرانی‌های مربوط به حفظ حریم خصوصی بیماران، امنیت داده‌های پزشکی، مسئولیت‌پذیری در صورت بروز خطاهای هوش مصنوعی و تبعیض‌های الگوریتمی اشاره کرد.

**نتیجه‌گیری:** استفاده از هوش مصنوعی در دادرسی‌های امور پزشکی و درمانی، پتانسیل بالایی برای بهبود فرآیندهای قضایی دارد. با این حال، برای بهره‌برداری مؤثر و اخلاقی از این فناوری، توجه به الزامات حاکمیتی در حفظ حریم خصوصی اشخاص و تدوین چهارچوب‌های قانونی مناسب ضروری است.

**واژگان کلیدی:** دادرسی پزشکی و درمانی؛ حریم خصوصی؛ الزامات حاکمیتی؛ هوش مصنوعی؛ حقوق شهروندی؛ قاضی هوشمند؛ هوشمندسازی

نویسنده مسئول: خدیجه شجاعیان؛ پست الکترونیک: [Shojaeian1398@iau.ac.ir](mailto:Shojaeian1398@iau.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۴؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Bashipour Haghighi SA, Shojaeian KH, Alae H. Feasibility Study of the Use of Artificial Intelligence in Medical and Therapeutic Proceedings with Emphasis on Governance Requirements in Respecting Individuals' Privacy. Medical Law Journal. 2024; 18: e60.

## مقدمه

اگرچه انجام اعمال پزشکی و درمانی در صورتی مجاز است که برای سلامت اشخاص مفید باشد و عمده این اعمال نیز با رعایت دقیق قوانین و مقررات مربوطه انجام می‌پذیرند، اما همیشه وضعیت به این شکل نبوده و حجم وسیع دعاوی پزشکی و درمانی خلاف گزاره فوق‌الذکر را نشان می‌دهد (۱). این حجم وسیع، محاکم قضایی را با اطاله دادرسی در امور پزشکی و دارویی مواجه ساخته است، به نحوی که بعضاً رسیدگی به برخی از دعاوی پزشکی و دارویی تا چندین سال به طول انجامیده و این امر با توجه به آثار سوء برای بیمار و پزشک، می‌تواند دارای تأثیرات نامناسب از سایر ابعاد باشد (۲). از این رو در نظام‌های قضایی مختلف، راهکارهای مختلفی برای حل اطاله دادرسی در امور پزشکی و دارویی پیشنهاد شده است که یکی از جدیدترین آن‌ها، کاربرد هوش مصنوعی است. هوش مصنوعی به عنوان تازه‌ترین تحول در نظام‌های قضایی به ویژه در کشورهای توسعه‌یافته محسوب می‌شود، البته در ارتباط با سطح استفاده از هوش مصنوعی در نظام‌های قضایی اختلاف نظر وجود دارد، به نحوی که برخی معتقد به نظام قضایی تماماً وابسته به هوش مصنوعی هستند، در حالی که برخی دیگر، استفاده‌های موردی و محدود از هوش مصنوعی در روند قضایی را تصدیق نموده‌اند و علت این موضوع را نیز حفاظت از حریم خصوصی اصحاب دعوی بیان داشته‌اند (۳).

اینکه در روند دادرسی‌های مدنی نیز بتوان از هوش مصنوعی استفاده نمود، سؤالات مختلفی را به ذهن متبادر می‌سازد، از جمله اینکه آیین به کارگیری هوش مصنوعی در روند رسیدگی‌های حقوقی چیست؟ در صورتی که از هوش مصنوعی به عنوان قاضی در فرآیند رسیدگی‌های حقوقی بتوان بهره برد، آیا همان شرایطی که برای قاضی اعلام شده است، می‌توان در هوش مصنوعی به عنوان قاضی احراز نمود؟ رسیدگی هوشمند یک فرآیند مستمر بوده که از زمان طرح دعوی توسط خواهان آغاز شده و تا زمان اجرای حکم توسط وی ادامه می‌یابد. این دادرسی خود شامل مؤلفه‌های مهمی

همچون رسیدگی‌های هوشمند، ادله الکترونیکی و... می‌شود و یکی از مؤلفه‌های اصلی و عمده دادرسی هوشمند، حضور قاضی هوشمند یا به کارگیری هوش مصنوعی به عنوان قاضی است. بنابراین دادرسی هوشمند ناظر بر تمامی این مراحل است. از همین رو بوده است که تجربیات دولت‌های توسعه‌یافته، از جمله ایالات متحده آمریکا نشانگر آن است که پیش از اینکه در ارتباط با ماهیت رسیدگی هوشمند قضایی ورود پیدا نمایند، به مراحل اولیه طرح دعوی و صلاحیت‌های مقامات انتظامی ورود پیدا کرده‌اند. برای نمونه در سال ۱۹۸۶ میلادی در ایالات متحده آمریکا، قانونی تحت عنوان «قانون حریم خصوصی ارتباطات الکترونیکی» (ECPA: The Electronic Communications Privacy Act) به تصویب رسید که به منظور دسترسی ضابطین قضایی به داده‌های الکترونیکی طرفین دعوی مورد تصویب قرار گرفته بود (۴).

با توجه به سیر اقدامات و قانونگذاری‌هایی که برای هوشمندسازی رسیدگی صورت گرفته است، می‌توان موارد ذیل را به عنوان آثار به کارگیری هوش مصنوعی به عنوان قاضی در حقوق ایران نام برد: تغییر فرهنگ دادرسی، رفع اطاله دادرسی و منطقی‌ساختن زمان دادرسی و اجرا، ارتقای کیفیت رسیدگی و بالابردن شفافیت دادرسی، اتقان آرای صادره، تشریفات‌زدایی مادی، استفاده از ابزارهای نرم به جای وسایل سخت در دادگستری، تسریع در خدمت‌رسانی قضایی به مردم، کاهش جمعیت دادگاهی، کاهش منازعات مردمی، جلوگیری از انحرافات اداری، کاهش هزینه، امکان دسترسی سریع و آسان به سوابق قضایی افراد در سراسر کشور، ارتقای سطح امنیت شبکه‌های الکترونیکی و بانک‌های اطلاعاتی، کاهش حجم کاغذی در قوه قضاییه و نظام‌مندساختن سیستم بایگانی این نهاد، حذف برخی واسطه‌ها در روند رسیدگی به پرونده‌ها، ایجاد شناسنامه حقوقی برای اشخاص، ساماندهی نظام دسترسی اشخاص به اسناد و مدارک، استانداردسازی و ارتقای سطح حفاظت و امنیت فیزیکی اسناد و مدارک و اماکن نگهداری از آن‌ها، توسعه خدمات الکترونیک، توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، توسعه آمادگی

سازمانی در بهره‌گیری از فناوری‌های نوین کاربردی، هوشمندسازی و کارآمدسازی نظام قضایی، امکان دسترسی افراد به اطلاعات و بالابردن شفافیت رسیدگی (۵).

در ارتباط با تحقیقات مشابهی که در حوزه هوش مصنوعی در زمینه تصمیم‌گیری قضایی صورت گرفته است، بایستی گفت که هیچ یک از این تحقیقات به موضوع امور پزشکی و دارویی اشاره نکرده‌اند و صرفاً به ملاحظات کلی در حوزه ارتباط میان قوه قضاییه و هوش مصنوعی پرداخته‌اند. از زمره تحقیقات مشابه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

لشگری و نتاج جلوداری (۱۴۰۲ ش.) در کتابی تحت عنوان «هوش مصنوعی در قوه قضاییه: مفاهیم، کاربردها، تکنیک‌ها و ابزارها» به مفهوم‌پردازی‌های مربوط به هوش مصنوعی در قوه قضاییه و کاربردهای آن در این نهاد پرداخته‌اند. مهم‌ترین بخش مربوط به این کتاب در فصل سوم آن است که در آن، به موضوع کاربردهای هوش مصنوعی در قوه قضاییه اشاره شده است. در این فصل، به مطالبی همچون تبدیل هوشمند سوابق دادگاه‌ها، خدمات دادرسی هوشمند و... اشاره شده است. با این حال به امور پزشکی و دارویی در این کتاب ارسال نشده است. حسینی، عبدخدایی و شریف‌خانی (۱۴۰۲ ش.) در مقاله‌ای با عنوان «کاربرد هوش مصنوعی در رسیدگی‌های قضایی، چالش شفافیت و راهکارهای آن» به این موضوع پرداخته‌اند که در امور حقوقی، به کارگیری هوش مصنوعی می‌تواند دارای مزایای متعددی برای دادگاه‌های حقوقی، از جمله شفافیت در اطلاعات ارائه‌شده به مرجع قضایی، شفافیت در نحوه رسیدگی مرجع قضایی و در امور کیفری نیز رعایت حقوق اصحاب دعوی شود، البته در این مقاله، هیچ اشاره‌ای به دعاوی پزشکی و درمانی نشده است.

۱. پیشینه کاربرد هوش مصنوعی در تصمیم‌گیری‌های قضایی ناظر بر امور پزشکی و دارویی: نقش قاضی در فرآیندهای رسیدگی‌های حقوقی بسیار پیچیده است، به نحوی که علاوه بر کارکرد اصلی‌اش که حل و فصل اختلافات ارجاعی است، بایستی دارای قابلیت مدیریت پرونده‌های قضایی، تعاملات پیچیده با اصحاب دعوی و ذی‌نفعان آن و... باشد، البته میزانی

که قاضی در هر پرونده دخیل می‌شود، بین نظام‌های حقوقی مختلف یکسان نیست و حتی در یک نظام حقوقی میان قضایای حقوقی، کیفری و اداری می‌تواند متفاوت باشد (۶)، در این زمینه، البته اقداماتی تاکنون صورت گرفته است برای نمونه می‌توان به «منشور اخلاقی اروپایی در ارتباط با استفاده از هوش مصنوعی در سیستم‌های قضایی و محیط‌های آن‌ها» منتشر شده است که در این زمینه، پنج وظیفه بنیادین را برای هوش مصنوعی در مقام قضایی قرار داده است که عبارتند از: ۱- احترام به حقوق بنیادین؛ ۲- بی‌طرفی، شفافیت و انصاف؛ ۳- استقلال؛ ۴- عدم تبعیض میان اصحاب دعوی؛ ۵- ایجاد امنیت قضایی و کیفیت ارائه خدمات قضایی (۷). در نظام قضایی چین هم اکنون ربات‌های هوشمند تحت عنوان «Xiofa» وجود دارند که به عنوان قاضی هوشمند برای رسیدگی به ۳۰ هزار پرونده حقوقی به کار گرفته شده‌اند و تعداد صد عدد از آن‌ها در حال حاضر استفاده می‌شود (۸).

در ایالات متحده، قانون اصلی در زمینه کاربرد هوش مصنوعی به عنوان قاضی در قانونی تحت عنوان «قانون مصونیت برای هوش مصنوعی» گنجانده شده است که اولین بار در سال ۱۹۹۳ تصویب شده است و در ماده ۴ آن، امکان استفاده از هوش مصنوعی به عنوان قاضی فراهم شده است، البته همان‌گونه که از عنوان این قانون برمی‌آید، قاضی هوش مصنوعی در صورت صدور تصمیمات نادرست، خود دارای مسئولیت مدنی نبوده، بلکه ارائه‌دهندگان و شرکت‌های توسعه‌دهنده آن دارای مسئولیت مدنی در این زمینه هستند (۹).

سند دیگر در استفاده از هوش مصنوعی به عنوان قاضی در سندی تحت عنوان «چارچوب نوآوری سیف (SAFE Innovation Framework)» (۲۰۲۳ م.) مصوب کنگره آمریکا آمده است که تأکید می‌نماید که پنج اصل، یعنی امنیت، پاسخگویی، نوآوری، زیربنابودن و توجیه‌پذیری بایستی در استفاده از هوش مصنوعی به عنوان قاضی رعایت شود، به این معنا که در صورتی که هوش مصنوعی به عنوان قاضی استفاده شود، بایستی دارای ویژگی‌های فوق‌الذکر باشد (۱۰).

تاکنون حداقل ۱۴ دادگاه فدرال رهنمودهایی در ارتباط با استفاده از هوش مصنوعی به عنوان قاضی منتشر ساخته‌اند و برخی به دلایل مربوط به عدم استقلال، آن را رد نموده‌اند و در برخی نیز این پیشنهاد ارائه شده است که هوش مصنوعی به عنوان قاضی مستشاری یا همان قاضی نشسته در رسیدگی‌های حقوقی مورد استفاده قرار بگیرد (۱۱).

اگرچه این استدلال مطرح شده است که هوش مصنوعی به عنوان قاضی می‌تواند از بسیاری از محدودیت‌های قضات در رسیدگی‌های حقوقی، از جمله امکان جانبداری در امان باشد، اما بایستی گفت که هوش مصنوعی بر اساس الگوریتم‌هایی به تصمیم‌گیری می‌پردازد که برنامه‌ریزی شده است و حتی نمی‌توان از دو فناوری هوش مصنوعی که بر اساس الگوریتم‌های متفاوتی برنامه‌ریزی شده‌اند، انتظار داشت به یک راه حل یکسان در یک پرونده قضایی دست یابند (۱۲).

۲. کاربرد هوش مصنوعی در دادرسی‌های امور پزشکی و درمانی

۱-۲. استدلال‌های طرفداران کاربرد هوش مصنوعی: طرفداران کاربرد هوش مصنوعی در قوه قضاییه و به ویژه تصمیم‌گیری‌های قضایی به دو استدلال، یعنی شفافیت و دسترسی پیدا کردن عموم به صورت آسان‌تر به پرونده‌های قضایی استناد می‌نمایند. در واقع، برای افزایش سلامت قضایی و دستیابی به رفاه عمومی به عنوان یکی از نتایج اصلی آن، باید مکانیسم‌های مسئولیت و پاسخگویی در دستگاه قضایی معرفی شوند (۱۳). استقلال قضات با مسئولیت آنها همراه است و این استقلال به معنی مصونیت و عدم پاسخگویی نیست (۱۴). علاوه بر قضات، قوه قضاییه نیز باید پاسخگو باشد. در این مسیر، شفافیت و پاسخگویی دستگاه قضایی در محورهای زیر قابل بحث است:

دسترسی عموم به اطلاعات مربوط به دستگاه قضایی، پرونده‌ها، قوانین و مقررات و نحوه استخدام در دستگاه قضایی و نیز فرایندهای انضباطی در دستگاه قضایی باعث افزایش شفافیت و نیز راندان این رویه‌ها شده و ابزار لازم را برای به چالش کشیدن نا بهنجاری‌ها ارائه می‌نماید (۱۵). با این هدف:

- هر کسی باید در سطح قابل اعتمادی، به اطلاعات دسترسی داشته باشد.

- اطلاعات مرتبط با عملکرد دستگاه قضایی و دادگاه‌ها باید در سطح وسیعی منتشر شود.

- قضات، وکلا، دانشگاهیان و مردم به قوانین و مقررات، رویه‌های قضایی و تصمیمات دادگاه‌ها دسترسی داشته و از هرگونه تغییر در قوانین آگاهی می‌یابند (۱۶).

۲-۲. استدلال‌های مخالفان کاربرد هوش مصنوعی: مهم‌ترین استدلالی که از سوی مخالفان کاربرد هوش مصنوعی در قوه قضاییه بیان می‌شود، عدم رعایت عدالت از سوی سامانه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی است. به عبارت دیگر، بروز رفتارهای تبعیض‌آمیز، نقض خودآیینی، سوگیری و تأثیر ورودی اطلاعات به سامانه‌های هوش مصنوعی، موجب خروج این سامانه از عدالت قضایی به عنوان یکی از ویژگی‌های بارز قاضی می‌گردد (۱۷).

عدم کنترل و نظارت بر سامانه‌های هوش مصنوعی به عنوان یکی دیگر از ایرادات مخالفان کاربرد هوش مصنوعی در قوه قضاییه مطرح می‌شود. به عبارت دیگر، حجم گسترده داده‌های کلان و کثرت روابط و الگوریتم‌هایی که میان داده‌ها وجود دارد، کنترل و نظارت دقیق بر داده‌ها را با چالش‌های اساسی مواجه می‌سازد. در واقع، سامانه‌های هوش مصنوعی به ویژه در وضعیت‌های یادگیری ماشینی بدون نظارت کامل انسان خواهد بود.

یکی دیگر از ایراداتی که از سوی مخالفان کاربرد هوش مصنوعی در قوه قضاییه ایراد می‌شود، در ارتباط با یادگیری ماشینی بروز می‌نماید. یادگیری ماشینی صرفاً در وضعیتی به کار برده می‌شود که اطلاعات و داده‌هایی که سامانه تحلیل می‌نماید با اطلاعات جدید، مشابه باشد که در اختیار سامانه قرار دارد، در صورتی که در پرونده‌های قضایی که فاقد سابقه و رویه قضایی است، امکان کاربرد هوش مصنوعی به عنوان قاضی وجود ندارد (۱۸).

۳. مزایا و معایب به کارگیری هوش مصنوعی در امور پزشکی و دارویی با تأکید بر الزامات مبتنی بر حریم خصوصی: بدیهی است که به مانند هر پدیده دیگر ساخت بشریت، هوش

مصنوعی نیز دارای مزیت‌ها و معایبی در زمینه دادرسی‌های امور پزشکی و دارویی هستند. بدیهی است که علیرغم مزیت‌های متعددی که برای هوش مصنوعی در روند دادرسی‌های قضایی از جمله پزشکی و دارویی ارائه می‌شود، اما در هر صورت بزرگ‌ترین معایبی که با آن همراه است، در حوزه حفظ حریم خصوصی بیماران است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود (۱۹).

۱-۳. مزایا: در بخش مربوط به مزایا در به کارگیری هوش مصنوعی در امور پزشکی و دارویی، می‌توان به این نکته اشاره نمود که سامانه‌های هوش مصنوعی که در این زمینه به کار برده می‌شوند، بر اساس الگوریتم‌های پیچیده‌ای طراحی می‌شوند که امکان به کارگیری آن‌ها را در تمامی ساعات شبانه‌روز بدون محدودیت‌های انسانی می‌دهد. رسیدگی مطلوب‌تر و تعیین واقعیات پرونده‌های پزشکی و دارویی از زمره مزایا است که در ادامه بدان توجه می‌شود.

۱-۳-۱. رسیدگی مطلوب‌تر: شکی نیست که فناوری در حوزه دادخواست مدنی، همانند هر حوزه تلاش انسانی، باعث می‌شود روند کارآمدتر و مؤثرتر شود. به نظر می‌رسد که نوآوری‌هایی که در هر کشور پذیرفته شده و به اجرا درآمده‌اند، تأثیرگذار هستند. از ویژگی‌های جالب این تحولات روش‌هایی که سیستم‌های حقوقی برای پیگیری پیامدهای غیر قابل پیش‌بینی استفاده می‌کنند، مانند سایر سیستم‌های حقوقی مورد بررسی، حرکت تدریجی از یک فرآیند فشرده کاغذ به یک دیجیتال نوید افزایش بهره‌وری را می‌دهد، حتی اگر اتکا به حجم بیشتری از اسناد را ترغیب کند. با این حال، ویژگی برجسته تحولات در ایالات متحده، مواردی است که در بالا در رابطه با استفاده از فناوری‌های جدید برای تقویت ارائه مدارک مورد بحث قرار گرفت (۲۰).

در پرونده‌های پزشکی و دارویی خواه کیفری خواه حقوقی، دو طرف پزشک، بیمارستان، کادر درمان و بیمار وجود دارد. طرف اول که پزشک، بیمارستان و کادر درمان است و آشنا به قوانین و مقررات موجود در حوزه تشخیص، تجویز، جراحی و مدیریت امور بیمار است و طرف دوم که بیمار بوده که متضرر

از یکی از اعمال پزشکی و درمانی شده است و عموماً به قوانین و مقررات پزشکی و دارویی غیر مسلط یا حتی غیر مطلع هستند و این نقیصه، یکی از عللی است که در بسیاری از پرونده‌های پزشکی و دارویی نیز که بیمار محق باشد، در نظام‌های حقوقی مختلف، این پزشک، کادر درمان و بیمارستان باشند که علیرغم جرم‌های واقع‌شده، تبرئه می‌شوند. این در حالی است که سامانه‌های هوش مصنوعی به رسیدگی مطلوب‌تر به پرونده‌های پزشکی و دارویی کمک می‌نمایند.

۱-۳-۲. دسترسی بیشتر به سیستم عدالت مدنی: به نظر می‌رسد اتفاق نظر در این زمینه حاکی از آن است که نگرانی نسبت به تقسیم دیجیتال بیش از حد است و حرکت به سوابق دیجیتالی و ارتباطات در آینده در جهت مثبت نه‌تنها برای اکثر شرکت‌کنندگان در روند دادرسی مدنی، بلکه برای کسانی که هنگامی که تصور می‌شد توسط آن حتی بیشتر به حاشیه رانده شوند نیز مؤثر بوده است

به نظر می‌رسد که هوش مصنوعی در پرونده‌های پزشکی و دارویی بیش از آنکه در زمینه پرونده‌های کیفری مؤثر باشد، در زمینه پرونده‌های حقوقی تأثیرگذار است و این قابلیت به دسترسی بیشتر به سیستم عدالت مدنی در پرونده‌های پزشکی و دارویی کمک شایانی می‌نماید. این استدلال به واسطه چند دلیل عمده می‌باشد: اولاً اینکه تعیین خسارت‌های دقیق در پرونده‌های پزشکی و دارویی، اغلب به واسطه عوامل انسانی، غیر محتمل و بلکه غیر ممکن می‌باشد. با این حال، هوش مصنوعی، به واسطه سنجه‌های دقیقی که در آن از سوی شرکت‌های توسعه‌دهنده‌اش، به کار گرفته می‌شود، به سرعت و دقت، می‌تواند خسارت‌های دقیق را تعیین کند؛ ثانیاً جبران خسارت در پرونده‌های پزشکی و دارویی، بیش از هر چیز، نیازمند اثبات مسئولیت مدنی است و آنچه در پرونده‌های حقوقی پزشکی و دارویی ایجاد پیچیدگی می‌نماید، اثبات رابطه انتساب میان خسارت واقع شده و فعل یا ترک فعل متخلفانه پزشک یا کادر درمان است (۲۱).

۳-۱-۳. نحوه تعیین واقعیت‌ها و تصمیم‌گیری در مورد پرونده: نحوه تعیین حقایق و تصمیم‌گیری در مورد این پرونده احتمالاً مهم‌ترین منطقه تغییر است که با معرفی فناوری‌های جدید تجربه خواهیم کرد. بنابراین احتمالاً بزرگ‌ترین بحث و جدال را با خود به همراه خواهد داشت. همچنین زمینه‌ای است که تأثیر نسبی آن بر محاکمه مداوم شفاهی قرار می‌گیرد و تجربه را با وسایل جدید ارائه مدارک در یک کشور از کشور دیگر متمایز می‌کند. استفاده از بانک‌های اطلاعاتی حقوقی مانند لکسیس نکسیس و وستلو برای جستجوی موارد قبلی به قدری در ایالات متحده برقرار شده است که به سختی اتفاق می‌افتد که آن را در گزارشی از فناوری‌های جدید گنجانده، حتی اگر تحولات حقوقی را دگرگون کرده باشد و سهولت و اعتماد به نفس که از آن‌ها در تصمیم‌گیری پرونده‌ها استفاده می‌شود، در نتیجه احتمالاً عادلانه است که بگوییم بیشترین تغییراتی که در حال انجام است، مربوط به ارائه مدارکی است که در بالا مورد بحث قرار گرفته است و احتمالاً این تأثیر چه میزان بر نحوه تعیین واقعیت‌ها انطباق دارد. تجربه در ایالات متحده نشان می‌دهد که فناوری‌های جدید در حال بهبود کارایی و دسترسی هستند. افزایش دسترسی به پرونده‌های دادگاه، چالش‌های جدیدی را برای ایجاد توازن بین تضمین بازبودن دادرسی برای عموم مردم و محافظت از نگرانی‌های قانونی در مورد حریم خصوصی دعاوی، ایجاد می‌کند. مسائل جدید در مورد هزینه‌های مرتبط با کشف الکترونیکی و کشف ارتباطات الکترونیکی در حال ظهور هستند. علاوه بر این، فناوری‌های جدید در جایی که به نظر می‌رسد پتانسیل تغییر تعادل و رویه‌های مرتبط با استفاده از هیأت منصفه‌های مدنی را دارند، بحث‌برانگیز بوده و از این طریق بر ارزش‌های اصلی روند دادرسی مدنی تأثیر می‌گذارد. باقی مانده است که آیا برخی از تغییرات نحوه ارائه شواهد، پذیرش بیشتری خواهند داشت و با انتقال هرچه بیشتر به عصر دیجیتال، رویکرد ما در دریافت اطلاعات تغییر می‌کند (۲۲).

چند نکته در ارتباط با نحوه تعیین واقعیت‌ها و تصمیم‌گیری در مورد پرونده‌های پزشکی و دارویی با استفاده از سامانه‌های هوش مصنوعی قابل ذکر است: اولاً اینکه با توجه به تأکید

سند تحول قضایی قوه قضاییه و نیز الزامات نهاد قضاوت در فقه امامیه، هوش مصنوعی در پرونده‌های پزشکی و دارویی به مانند سایر پرونده‌های قضایی، تصمیم‌گیری نمی‌کنند، اما در زمینه کیفردهی قضات، کمک می‌نمایند و آن‌گونه که در سند تحول قضایی نیز آمده است، به عنوان دستیار هوشمند قضایی فعالیت می‌نمایند؛ ثانیاً با توجه به اینکه پرونده‌های پزشکی، عموماً پرونده‌های پیچیده هستند، هوش مصنوعی می‌تواند در زمینه جمع‌آوری واقعیت‌ها با توجه به بانک داده‌ای موجود، اقدام نماید.

۳-۱-۴. استفاده از فناوری هوشمند در سالن دادرسی (ارائه شواهد و افشای اسناد الکترونیکی): امروزه استفاده از فناوری اطلاعات در سیستم‌های دادگستری بسیار رایج است و تفاوت‌های زیادی در نحوه و میزان استفاده از این فناوری‌ها وجود دارد، اگرچه قطعاً مقاله از دادگاه‌ها ناپدید نشده است، اما فناوری اطلاعات در عناصر فرآیندهای دادگاه به طور گسترده اتخاذ شده است. استفاده از فناوری آنلاین، از جمله سمینار اینترنتی و شهادت از طریق ویدئو کنفرانس، البته لزوماً هوشمند نیستند، اما فناوری‌های هوشمند اشکال جدیدی از آن‌ها ارائه داده است، در جهت توسعه فناوری اطلاعات در دادگاه‌ها می‌باشد. از این رو به دلایل مختلف، تغییراتی که فناوری‌های جدید می‌توانند در شیوه انجام دادرسی به وجود آورند، احتمالاً بیشترین تأثیر را در روند دادرسی مدنی خواهند داشت. شنوایی‌های تلفنی، کنفرانس ویدئویی و شبیه‌سازی‌های رایانه‌ای این امکان را دارند که انقلابی بهتر یا بدتر در نحوه تصمیم‌گیری پرونده‌ها ایجاد کنند، چنین تغییراتی بحث‌برانگیز و آهسته از توسعه ایجاد می‌نمایند. در اینجا لازم است که تمایز قاطع بین محاکمات و سایر جلسات قضایی مشخص شود (۲۳).

فناوری اطلاعات و ارتباطات نقش روزافزونی در زندگی یافته و بسیار سریع جای خود را در زندگی بشر پیدا نموده است. توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات همانطور که بیان شد، به حوزه قضایی نیز راه یافته است. فناوری اطلاعات و ارتباطات به معنای کاربرد سامانه‌های اطلاعاتی و شبکه‌های ارتباطی و دیگر ابزارهای سخت و نرم است. کاربرد فناوری اطلاعات و

ارتباطات در حوزه قضایی طیف گسترده‌ای دارد مواردی که رواج بیشتری یافته اند عبارتند از:

۱- سیستم مدیریت پرونده قضایی؛ ۲- سیستم تشکیل پرونده الکترونیکی؛ ۳- دادگاه‌های مجازی.

سیستم مدیریت پرونده‌های قضایی به شیوه الکترونیکی در دادگستری یکی از نمونه‌های بارز توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات است. سایر سیستم‌ها در راستای تسهیل ارتباط بین دادگاه‌ها و نهادهای مرتبط و نیز برای افزایش دسترسی به اطلاعات توسعه یافته‌اند. سیستم مدیریت پرونده قضایی به عنوان اصلی‌ترین کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در دادگاه‌ها از اوایل دهه ۱۹۹۰ مورد توجه کشورها بوده است. این سیستم در استرالیا بیش از سایر کشورها مورد توجه قرار گرفته است. استفاده از فناوری‌های نو در دادگاه‌های استرالیا از بخش کیفی آغاز شد. دادگاه‌های استرالیا در برخی بخش‌ها جایگاهی پیشرو در این زمینه دارند. تقریباً تمامی شعب دادرسی و دادگاه‌های بدوی استرالیا از سیستم مدیریت پرونده استفاده می‌کنند (۲۴).

به موجب بند ۵ قسمت از ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۰۶/۱۱ قوه قضاییه مکلف می‌شود نسبت به طراحی و استقرار نظام جامع اطلاعات (ام‌آی‌اس)، عملیات و مدیریت قضایی به منظور سرعت‌بخشیدن به عملیات، مدیریت کارآمد، اصلاح فرآیندها و بهبود روش‌های انجام امور قضایی تا پایان برنامه چهارم اقدام نماید. قانون برنامه پنجم توسعه نیز به گسترش مدیریت پرونده قضایی تصریح کرده است. توسعه سیستم مدیریت پرونده قضایی یک طرح ملی است که در راستای تحقق دادرسی الکترونیکی با هدف ارائه خدمات قضایی با سرعت و سهولت و با حداقل نیاز به حضور فیزیکی انجام شده است. بنابراین از جمله مفاهیم اساسی که در راستای دادرسی الکترونیکی مطرح است سیستم مدیریت پرونده قضایی است

۳-۱-۵. قابلیت‌های مختلف سیستم مدیریت پرونده قضایی: بر اساس اولویت و به تدریج به این سیستم اضافه گردیده است که اهم آن‌ها عبارتند از:

خودکارنمودن دفاتر، در یک شعبه دادگاه نزدیک به ۱۰ دفتر و فهرست مختلف وجود دارد. این دفاتر و فهرست‌ها ابزارهای اصلی دادگاه برای مدیریت جریان پرونده و وقایع مهم پرونده است. کثرت پرونده‌های ورودی به دادگاه‌ها و نیز حجم بالای اطلاعات مورد نیاز برای هر پرونده، استفاده از دفاتر و فهرست‌های دستی برای مدیریت مؤثر و کارآمد پرونده‌ها را غیر ممکن ساخته است. از همین رو در سراسر جهان مکانیزه‌نمودن دفاتر دادگاه به عنوان یکی از قابلیت‌های اصلی سیستم مدیریت پرونده در مد نظر بوده است. اهمیت این امر تا آنجاست که در بسیاری از کشورها، سیستم مدیریت پرونده را مترادف با دفاتر مکانیزه دانسته‌اند. در ایران نیز از اولین نسخه عملیاتی سیستم به این موضوع توجه شد. در نسخه‌های بعدی نیز این قابلیت توسعه یافت. در حال حاضر تمامی دفاتر دادگاه‌ها مکانیزه شده است و از امکانات مختلف مانند رنگ‌بندی، قابلیت جستجو، قابلیت هشدار وقایع مهم، مرتب‌سازی و امثالهم برای کمک به کاربران در مدیریت بهتر جریان پرونده‌ها استفاده شده است

۲-۲. معایب: شناختن چالش‌های یک سیستم تشکیل پرونده الکترونیکی از ابتدا مهم است. برنامه‌ریزی و کنارآمدن با مسائل و نگرانی‌ها هنگام آگاهی از آن‌ها بسیار ساده‌تر است. تشکیل پرونده الکترونیکی در دادگاه شامل بسیاری از مسائل پیچیده است. بخش‌هایی که بیشتر مورد استناد قرار می‌گیرند دسترسی عمومی، حق چاپ، امنیت، قوانین رویه و توزیع مجدد هزینه‌ها است. بر اساس بررسی ادبیات، در بخش زیر برخی از چالش‌های رایج برای اجرای و استفاده مداوم از هر الکترونیکی توضیح داده شده است. سیستم تشکیل پرونده:

۱- امنیت؛ ۲- شفافیت و شفافیت در مقابل حریم خصوصی؛ ۳- آموزش کاربران؛ ۴- زمان و هزینه؛ ۵- خرابی سیستم (۲۵). مشکلات در حوزه فناوری در پنج حوزه عملکردی تقسیم می‌شوند:

۱- تهیه و ارائه پرونده که در وهله اول توسط وکلا یا دادخواهان صورت می‌گیرد تا برای یک پرونده آماده شوند و مدارک مربوط به آن پرونده را در جلسات دادگاه و دادگاه ارائه کنند. همچنین شامل وظایف قضایی برای حکم دادخواست یا مدارک ارائه‌شده به دادگاه است. توابع در اینجا شامل حرکات پیش از موعد، قرار وثیقه یا تعیین آزادی پیش از موعد، انتصاب مشاور، کشف، تعیین میزان پذیرش مدارک و ارائه مدارک است.

۲- مدیریت اطلاعات پرونده توسط محاکم قضایی، از جمله تبادل اطلاعات مربوط به یک پرونده خاص از دادگاه‌ها به یا بین اشخاص خارجی، مانند دفتر دادستانی، مشاور دفاعی، اجرای قانون، خدمات پیشگیری یا سایر سازمان‌های نظارتی و عمومی. کارکردها در اینجا شامل تشکیل پرونده، ثبت مدارک پرونده، حفظ سیستم‌های مدیریت سوابق دادگاه، فراهم کردن دسترسی عمومی به سوابق دادگاه و فراهم کردن مبادلات با سایر سیستم‌ها یا سازمان‌های دادرسی کیفری است.

۳- پشتیبانی از جلسات دادگاه، از جمله کارکردهای اداری دادگاه‌ها که جلسات دادگاه و محاکمه را تسهیل می‌کند، مانند امکان دسترسی پیدا کردن به فرآیند رسیدگی از سوی طرفین دعوی و عموم مردم (به عنوان مثال، تسهیل امکان حضور فیزیکی یا از راه دور و ارائه خدمات ترجمه)، تأمین اطلاعات کلی درباره دادرسی و مدیریت هیأت منصفه.

۴- مدیریت امکانات در ساختار دادگستری‌ها از جمله کلیه فرآیندها و سیستم‌های موجود برای مدیریت زیرساخت‌های سخت‌افزاری دادگاه‌ها تأمین گردد. فرآیندها و سیستم‌هایی که در اینجا مورد نظر است، عبارتند از امنیت دادگاه، مدیریت فناوری اطلاعات، تلاش برای آمادگی در برابر بلاهای طبیعی و سایر فعالیت‌های مدیریت زیرساختی دادگستری است.

۵- مدیریت مراجعات عمومی به دستگاه قضایی از جمله کلیه فرآیندها و سیستم‌های موجود برای مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی از توسعه دانش و آموزش کارمندان دادگاه تا قضات به نحوی طراحی شود که امکان تبادل حضوری اطلاعات میان کارمندان و قضات با عموم به حداقل برسد

۴- مبانی به کارگیری هوش مصنوعی در امور پزشکی و دارویی با تأکید بر الزامات حریم خصوصی: وضع قانون بایستی به گونه‌ای باشد که مدلول آن با کمترین تلاش قابل درک و فهم باشد، اما اینکه چگونه می‌توان دلیل کافی برای این الزام جستجو نمود و به عبارت دیگر چه دلایلی برای این الزام وجود دارد و شفافیت قانون از چه اصول و مبانی حقوقی برداشت می‌شود؟ در اینجا دو مورد از مهم‌ترین مبانی این اصل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱. قطعیت قانون: یکی از مهم‌ترین دلایل توجیهی شفافیت قانون را اصل «قطعیت قانون» دانسته‌اند (شهبازی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴۸). قطعیت و شفافیت قانون از الزاماتی است که از اصل قانونمندی منتج می‌شود و مستلزم تعریف یک نهاد حقوقی به صورت دقیق و شفاف از سوی قانونگذار است (۲۶)، البته اصل قطعیت قانون هم در مرحله وضع قانون و هم در مرحله اجرای قانون مطرح است، اما نکته مهم آن است که تا زمانی که قطعیت در مرحله وضع قانون وجود نداشته باشد، در مرحله اجرای قانون نیز نمی‌توان شاهد قطعیت بود. قطعیت قانون به ویژه در مواردی که مرتبط با حقوق عمومی یا ساختارهای آیین دادرسی اعم از آیین دادرسی مدنی و آیین دادرسی شکلی، به نحو بارزتری احساس می‌شود، چراکه مرتبط با نظم عمومی است (۲۷). اصل قطعیت قانون دارای آثاری همچون محدودیت و استثنایی بودن موارد تفسیر خواهد بود. همچنین اصل قطعیت قانون نهایتاً تأمین و تضمین حقوق شهروندی را با خود به همراه خواهد داشت این اصل در نظام حقوقی ایران و به ویژه دکتترین نیز از اهمیت بالایی برخوردار است و این موضوع خود از قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح که به صورت یک قانون دائمی و نه آزمایشی به تصویب رسیده است و در آن، دادرسی الکترونیکی مندرج شده است نیز مشهود است. این اصل که دارای یک ساختار پیچیده است، در حقیقت این مطلب را بیان می‌کند که باید از شهروندان در مقابل تهدیدی که از طرف قانون ممکن است متوجه آن‌ها شود و نیز عدم امنیتی که ممکن است در نتیجه اجرای قانون به وجود بیاید، حمایت

کرد. این اصل در سطح عمومی جامعه و در برخورد با مسائل مربوط به حقوق بشر بیشتر به وجود می‌آید.

یکی از مسائل مهم مربوط به اصل قطعیت قانونی این است که باید خود مبتنی بر قانون اساسی باشد و به عبارت دیگر باید دارای جایگاهی فراتر از قوانین عادی بوده و در سطح قانون اساسی تضمین گردد. در این صورت علاوه بر اینکه اعتماد عمومی به سیستم حقوقی تضمین می‌شود، از سوءاستفاده و نادیده‌انگاشته‌شدن تفکیک قدرت قانونگذاری از یکسو و سیستم قضایی و اجرایی از سوی دیگر و در نتیجه معطل‌ماندن این اصل مهم جلوگیری می‌شود، بنابراین تنها در این صورت است که می‌توان اصل حاکمیت قانون را نیز تضمین نمود.

مفهوم اصل قطعیت این است که قانون بایستی در دلالتش قطعی و ثابت باشد و موضوعات قانون بایستی کاملاً مشخص و مسلم‌الصدور باشد، در نتیجه، این اصل تضمین‌کننده حقوق و آزادی‌های تابعان قانون می‌شود، گرچه آنچه از قانون ناشی می‌شود ممنوعیت رفتار شهروندان است. با این حال در فرض لزوم و ضرورت تعیین چنین محدودیت‌هایی، عدم تسری آن‌ها به موارد دیگر نهایتاً به تضمین امنیت و آزادی شهروندان می‌انجامد. اگر آنچه را که بر اساس قانون قابل اجرا انجام می‌دهیم، هر آن در معرض نقض قرار بگیرد، هرگونه پیش‌بینی از رفتار غیر ممکن شده و در نتیجه خود وجود قانون به مثابه تهدید تلقی خواهد شد، زیرا اعتماد به قطعیت حقوق و ثبات جریان مدنی کاهش می‌یابد (۲۸).

در نتیجه قانون بایستی به شیوه‌ای تنظیم گردد که دقیقاً مرز حقوق و آزادی و ممنوعیت‌ها را تعیین نماید. چنین تکلیفی برای قانونگذار تنها زمانی انجام خواهد شد که قانون با صراحت و شفافیت کامل تنظیم شود. قانون شفاف و صریح به روشنی مشخص می‌کند چه عملی و تا چه اندازه ممنوع شده است. به همین دلیل است که بدون التزام به قطعیت قانون نمی‌توان انتظار قوانین شفاف داشت.

با این حال باید توجه داشت که بعضاً انتظار وضع قوانین صدرصد شفاف و بدون هیچ ابهامی و در واقع وجود قطعیت

مطلق، انتظار معقولی نمی‌باشد، زیرا عمومیت و گستردگی مصادیق و عدم امکان تشخیص تمام مصادیق یک مقرر قانونی در عمل، ذات برخی از ممنوعیت‌های قانونی است. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت چنین مقررات و قوانینی تمام مصادیق ممکن و حالت‌های آینده را پیش‌بینی نموده و بدون ابهام بیان کند. به همین دلیل اغلب این قوانین نوع عمل را بیان می‌کنند و قاعده‌ای را برای شمول به مصادیق احتمالی تعیین می‌نمایند. در چنین وضعیتی می‌توان ادعا نمود که تابعان قانون کاملاً از سرنوشت رفتار خود آگاه نیستند، زیرا در زمان انجام رفتار مشخص نیست آیا رفتار اراده‌شده مشمول ممنوعیت قانونی است یا خیر؟ به همین دلیل تکلیفی دیگر به عهده شهروندان قرار می‌گیرد که علاوه بر تکلیف تبعیت از امر و نهی قانونگذار است و آن تکلیف به تطبیق مصادیق بر قاعده و تشخیص غیر قانونی بودن آن رفتار است. در خصوص غیر قابل اجتناب بودن چنین حالتی، دیوان اروپایی حقوق بشر در یکی از آرای خود چنین ابراز عقیده نموده که به علت اصل تعمیم‌پذیری قوانین، بعضاً محتوای آن‌ها نمی‌تواند از قطعیت مطلق برخوردار باشد.

۴-۲. اصل آزادی: آزادی دارای خاستگاه فلسفی و عقلی لازم بوده و اساساً از حقوق طبیعی فرد محسوب می‌شود. اصل آزادی مبنای اصل حاکمیت اراده است که در ماده ۱۰ قانون مدنی ایران مورد پذیرش قرار گرفته است. از منظر نظام حقوقی ایران، اصل آزادی در دامنه حقوق خصوصی، عمدتاً در حقوق دینی متجلی است تا حقوق عینی و در حقوق عینی با محدودیت‌هایی همراه است.

پذیرش و شناسایی حق آزادی از چنان اهمیتی برخوردار است که به عنوان یکی از مهم‌ترین و ابتدایی‌ترین شرایط نیل به دیگر حقوق بشری در جامعه است. این حق از بعد بین‌المللی به دلیل فراغت بیشتر نهادهای حقوقی بین‌المللی و فراملی از مصلحت‌اندیش‌های سیاسی، بیشتر از قوانین داخلی مورد تأکید بوده است.

هرگاه حق آزادی در یک جامعه پذیرفته نشود و یا با چنان محدودیت‌هایی مواجه شود که عملاً به «استثنای اکثر» تبدیل

شود، نه تنها اصل آزادی از بین رفته، بلکه اصولاً مجوزی برای دولت و یا قدرت حاکم ایجاد شده تا در لوای آن هرگونه حقی را بتواند پایمال نماید، زیرا بدون شناسایی حق آزادی و علی‌الخصوص حق آزادی بیان، دولت در مفهوم واقعی آن معنا نخواهد یافت. دلیل این ادعا این است که دولت در مفهوم حقوقی آن، خصوصاً دولت قانونی، زمانی معنا می‌یابد که نماینده مردم و مجری قانون باشد. این امر نیز به نوبه خود تنها در بستر پاسخگوبودن دولت قابل تحقق است، در نتیجه در وهله اول با فقدان آزادی، وضع قوانین دقیق و همه‌جانبه و تشکیل و ابتدای دولت بر قانون، هیچ‌گاه نمی‌تواند اجرای قانون را به همان شیوه مطلوب وضع شده و مورد انتظار برآورده سازد. همچنین در وهله دوم نکته مهم‌تر این است که اساساً نمی‌توان وضع قانون شفاف را نیز توسط قوای تقنینی انتظار داشت. هرگاه دولت در مفهوم عام دریابد که در مقابل مردم پاسخگو نیست، به تدریج تفرعن و خودکامگی ناشی از خارج‌شدن از چهارچوب‌های محدودکننده، دولت را به وضع خودسرانه قانون و قانونی‌کردن امیال حاکمان پیش خواهد برد؛ وضعیتی که از آن، به عنوان حاکمیت به وسیله قانون یاد می‌کنند (۲۹). بنابراین فقدان آزادی به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر وضع قوانین تأثیرگذار بوده و مانع تقنین شفاف و مطلوب است.

در حوزه قانونگذاری شفاف آزادی، به شکل دیگری نیز تأثیرگذار است. همواره قانون توسط هیأت حاکمه وضع می‌گردد که در خوشبینانه‌ترین حالت، نمایندگان اکثریت مردم هستند. با این حال اقلیت نیز همواره بایستی این قدرت و حق را داشته باشند که نسبت به قوانین نامطلوب اعتراض خود را اعلام نموده و دولت را مکلف به پاسخگویی نمایند. این شیوه مانعی عملی و مناسب در جهت الزام قوه قانونگذاری در وضع قانون مناسب و شفاف است. با این حال در کشورهای مبتنی بر تقسیم قوا که وضع قانون عادی به عهده قوه مجزایی واگذار شده و قوه مجریه و قضاییه نیز معمولاً بیشتر در معرض ارتباط مستقیم با شهروندان و اعتراضات آن‌ها قرار دارند، این نگرانی قابل تأمل وجود دارد که اگر شیوه و سازوکاری مجزا و قانونی در جهت پاسخگویی قوه قانونگذاری در مقابل اقلیت

مردم {در خوشبینانه‌ترین حالت} وجود نداشته باشد، می‌تواند عملاً به خودکامگی اکثریت و دیکتاتوری قانونی تبدیل شود که نتیجه عملی آن وضع قوانین نامطلوب است، زیرا معمولاً در چنین مواردی سایر قوا به دلیل عدم دخالت مستقیم در امر قانونگذاری پاسخگو نخواهند بود.

تکامل جامعه و پیدایش حوزه‌های جدید قانونگذاری سبب رشد کمی قوانین شده و این تورم قانونگذاری تا اندازه زیادی اجتناب‌ناپذیر است. با این حال مسأله اصلی این است که چگونه می‌توان قوانینی وضع نمود که اشکال کیفی نیز به توسعه کمی قوانین افزوده نشود. امروزه اصل عدم استماع ادعای جهل به قانون با تردید مواجه است. در مقابل کسی نمی‌توان ادعا نماید که همه مقررات مربوط به خود را می‌شناسد و حتی هیچ حقوقدانی هم نمی‌تواند ادعا کند که همه حقوق را می‌داند. با این حال در دادگاه، هیچ کس نمی‌تواند در دفاع از خود بگوید که از قانون آگاه نبوده است و یا آن را درست نفهمیده است، اما همین موضوع هم دیگر از نظر حقوقی قابل قبول نیست (۳۰).

عدم اطلاع از قانون و چنین ادعایی می‌تواند ناشی از عدم درک معنای قانون و به عبارتی مبهم‌بودن قانون باشد. برای رفع این مشکل مهم‌ترین راه، ساده‌نویسی قوانین به نحوی است که هم برای شهروندان قابل فهم و درک باشد و هم از بار حقوقی و علمی قانون کاسته نشود، زیرا همواره هر متن علمی مستلزم کاربرد واژگان و ادبیات خاص خود به صورتی است که قابلیت انتقال معانی و منظور قائل گفتار و تقریرات را داشته باشد، در غیر این صورت آنچه که انتقال هم می‌یابد، گرچه ساده و روان بوده، ولی منظور گوینده نبوده و بنابراین همان نتیجه حاصل می‌شود، یعنی باز هم معنی انتقال نمی‌یابد. از این نظر قانون بایستی به شکلی نگارش یابد که به طور صریح بر نظر مقنن دلالت کند. قانون بایستی به زبان و ساختاری نوشته شود که برای همه مردم قابل فهم بوده و در مرحله اجرا در دادگاه نیز قاضی را با سرگردانی مواجه نسازد. در قانون نویسی از هر چیزی که سبب اجمال و ابهام معنای قانون باشد، باید پرهیز نمود (۳۰).

۵. منابع ناظر بر هوشمندسازی قوه قضاییه در جهت تضمین حقوق شهروندی: به صورت کلی، تنها سندی که در آن بر هوشمندسازی قوه قضاییه تأکید شده است، سند تحول قضایی است و در هیچ قانون دیگری که به صورت خاص ناظر بر عملکردهای قوه قضاییه باشد، به هوشمندسازی این قوه اشاره نشده است، ضمن اینکه به صورت کلی، قوانین و مقرراتی در حوزه هوش مصنوعی نیز به تصویب نرسیده است، لذا تنها راهکاری که در اینجا می‌توان ارائه داد، این است که به اسناد موجود اشاره نمود و قابلیت‌های آن برای تسری به هوشمندسازی قوه قضاییه جهت تضمین حقوق شهروندی را مورد بررسی قرار داد.

۵-۱. اسناد بالادستی: منظور از اسناد بالادستی، اسنادی هستند که در رأس نظام تقنینی کشور قرار دارند و سایر قوانین، بایستی به تبع این قوانین نگاشته شوند. مهم‌ترین سند بالادستی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که مجلس شورای اسلامی ملزم است که قوانین و مقررات را بر اساس این سند بالادستی تنظیم نماید. در کنار این سند، سیاست‌های کلی ابلاغی مقام رهبری و بیانیه گام دوم انقلاب ابلاغی ایشان قرار دارد که البته اشارات آن‌ها در زمینه دادرسی‌های هوشمند است و به صورت غیر مستقیم به دادرسی‌های هوشمند در حوزه پزشکی و دارویی مرتبط می‌باشند.

۵-۱-۱. قانون اساسی: در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سلف‌های آن، هیچ اشاره‌ای به مباحث الکترونیکی با توجه به عدم مطرح‌شدن این چنین بحث‌هایی در آن زمان نشده است. با این حال، در این قانون از حق دسترسی آحاد ملت اعم از زن و مرد به صورت برابر به دادگاه اشاره شده است. از این منظر، دسترسی آسان‌تر و سهل‌تر شهروندان ایرانی از طریق فضای اینترنتی و سایبری به محاکم قضایی خود می‌تواند منتهی به تحقق عمده‌تر دادرسی منصفانه توسط مراجع قضایی شود. جدا از قانون اساسی، از آنجا که منشور حقوق شهروندی ریاست جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۳۹۵ مورد پذیرش قرار گرفت، در هیچ یک از دسته‌بندی‌های

این بخش قرار نمی‌گیرد، در این بخش مورد اشاره قرار می‌گیرد. در این منشور، مواد ۳۳-۳۵ به حق دسترسی شهروندان به فضای مجازی اختصاص داده شده‌اند، از جمله در ماده ۳۴ که آمده است: «حق شهروندان است که از امنیت سایبری و فناوری‌های ارتباطاتی و اطلاع‌رسانی، حفاظت از داده‌های شخصی و حریم خصوصی بهره‌مند شوند.»

بدیهی است که یکی از مصادیق دسترسی به فناوری‌های ارتباطاتی و اطلاع‌رسانی می‌تواند الکترونیکی‌شدن دادرسی مدنی باشد که با لحاظ امنیت سایبری شهروندان صورت می‌گیرد و از این رو، یک بعد حقوق بشری نیز به خود می‌گیرد.

۵-۱-۲. سیاست‌های کلی نظام در حوزه قضایی: اگرچه در سیاست‌های کلی نظام در حوزه قضایی با توجه به سال تصویب آن، به صراحت از دسترسی دستگاه قضایی به امکانات الکترونیکی، صحبت نشده است، اما الزامات و مطالبات متعددی که در این زمینه وجود دارند، می‌توانند از طریق استنباط، مخاطب را به سمت و سوی الکترونیکی‌شدن دادرسی‌های مدنی نیز بکشاند، از جمله نظام‌مندکردن استفاده از بینه یا تخصصی‌شدن رسیدگی در دادگاه‌ها که هر دوی این اهداف بدون الکترونیکی‌شدن دادرسی‌ها خواه دادرسی مدنی و الکترونیکی امکان‌پذیر نیست. نکته‌ای که می‌توان از این سیاست‌ها متوجه شد، آن است که الکترونیکی‌شدن دادرسی‌های مدنی صرفاً بخشی از روند کلی اصلاحات در قوه قضاییه است و بنابراین بایستی هم‌راستا با سایر تحولات صورت پذیرد (۳۱).

۵-۱-۳. بیانیه گام دوم انقلاب: بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ابلاغی مقام رهبری، سندی بالادستی است که بر اساس آن، به یکی از آثار الکترونیکی‌شدن دادرسی مدنی پرداخته شده است. این بیانیه که در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ ابلاغ شده است و در واقع اصول کلی کارکردی نظام حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران در دهه پنجم حیات خود را ترسیم می‌نماید، شامل چند بخش است که بخش اول به علم و پژوهش؛ بخش دوم به معنویت و اخلاق؛ بخش سوم به اقتصاد؛ بخش چهارم به

عدالت و مبارزه با فساد؛ بخش پنجم به استقلال و آزادی؛ بخش ششم به عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن؛ نهایتاً بخش هفتم به سبک زندگی اختصاص پیدا کرده است. از آنجا که عملکرد دستگاه قضایی به بخش چهارم تحت عنوان «عدالت و مبارزه با فساد» مربوط می‌باشد، بنابراین تمرکز بر کارکرد صلح و سازش توسط شورای حل اختلاف در سند تحول قضایی نیز بایستی در چهارچوب همین عدالت گستری و مبارزه با فساد مورد توجه قرار بگیرد.

۲-۵. قوانین عادی: در بند دوم این قسمت به قوانین عادی پرداخته می‌شود که در حوزه الکترونیکی‌شدن دادرسی مدنی به بیان مطالب پرداخته‌اند. نکته مهم در این خصوص، آن است که دو قانون مهمی که وجود دارند، قانون جرائم و مجازات نیروهای مسلح و قانون تجارت الکترونیک است. در ادامه به این دو قانون پرداخته می‌شود.

۱-۲-۵. قانون جرائم و مجازات نیروهای مسلح: مهم‌ترین قانون عادی در زمینه الکترونیکی‌شدن دادرسی مدنی، ضمیمه قانون جرائم و مجازات نیروهای مسلح است. از منظر تقنینی، «دادرسی الکترونیکی» عنوان مبهمی در بخش نهم قانون آیین دادرسی کیفری است که صرفاً به پشتوانه پیش‌بینی در قانون مطرح شده است و با دادرسی جرائم رایانه‌ای یکی نیست. میان این دو رابطه عموم و خصوص من‌وجه برقرار است، چنانکه در دادرسی الکترونیکی تلاش می‌شود تا فرآیند رسیدگی کیفری نسبت به عموم جرائم با استفاده تجهیزات الکترونیکی و در فضای سایبر انجام شود، ولی در دادرسی جرائم رایانه‌ای، از امکانات و فرآیندها برای کشف، اثبات و پیگیری جرائم رایانه‌ای استفاده می‌شود که ممکن است بعضاً با فرآیند کیفری سنتی انجام شود. با این حال چون دادرسی جرائم رایانه‌ای، یکی از صورت‌های دادرسی کیفری افتراقی است و در قانون آیین دادرسی کیفری نیز از همین وجه مورد تأکید قرار گرفته است، وجه افتراق استفاده از رایانه برای رسیدگی به جرم رایانه‌ای است. به سخن دیگر، همچنانکه مرتکب با استفاده از رایانه، مرتکب جرم رایانه‌ای شده است؛ با بهره‌گیری از امکانات و ظرفیت‌های محیط رایانه، به اتهام وی رسیدگی شود. در این صورت دادرسی جرائم رایانه‌ای در بطن

دادرسی الکترونیکی قرار می‌گیرد و با آن رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار می‌کند (۳۲).

۲-۵. قانون تجارت الکترونیک: تجارت الکترونیک که معاملات اینترنتی تحت پوشش آن قرار می‌گیرند، در قانون تجارت الکترونیک مورد نظر قرار گرفته است. اهمیت تجارت الکترونیک و مبادلات اینترنتی در قانون تجارت الکترونیک نیز مورد توجه قرار گرفته است، به نحوی که تصریح شده است که «دولت جمهوری اسلامی ایران عزم خود مبنی بر استفاده و گسترش تجارت الکترونیک در کشور را بر طبق اصول و سیاست‌های زیر اعلام می‌نماید».

ماده ۲ اصول مذکور را بدین شرح بیان می‌دارد:

«۱- فراهم‌نمودن زیرساخت‌های اصلی و زمینه‌های حقوقی و اجرایی مورد نیاز برای استفاده از تجارت الکترونیک؛

۲- توسعه آموزش و ترویج فرهنگ استفاده از تجارت الکترونیک؛

۳- حمایت از توسعه فعالیت‌های بخش غیر دولتی و جلوگیری از انحصار و ایجاد زمینه‌های رقابت؛

۴- رفع هرگونه محدودیت تبعیض‌آمیز در تجارت الکترونیک؛

۵- گسترش استفاده از شبکه اینترنت برای انجام تجارت الکترونیک در کشور و اتخاذ تدابیر لازم برای بهداشت محتوایی شبکه یادشده.»

ماده ۳ که سیاست‌های اجرایی را اعلام می‌کند، برای بخش‌های مختلف دولت، از جمله شرکت مخابرات، وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی ایران، وزارت بازرگانی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت امور خارجه، وزارت پست، تلگراف و تلفن و دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی، سازمان صدا و سیما، دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد وظایفی برشمرده و در ادامه مقرر کرده است: «وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی موظف‌اند نسبت به راه‌اندازی تجارت الکترونیک در مبادلات خود اقدام و تا پایان برنامه سوم توسعه حداقل نیمی از مبادلات خود را به این روش انجام دهند.»

گفتنی است گزارش عمل‌کردها در این زمینه چندان خرسندکننده نیست، مثلاً طبق بررسی‌های شورای عالی

اطلاع‌رسانی، طی سال فقط ۴ میلیارد و ۸۷۵ میلیون ریال از بودجه اختصاص داده‌شده به وزارت بازرگانی تخصیص یافت. این رقم کمتر از نیمی از بودجه مصوب برای این وزارتخانه برای اجرای پروژه‌های تجارت الکترونیکی است نتیجه کاستی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری موجود در کشور، آن است که میان ۶۰ کشور، در تجارت الکترونیک، ایران در رتبه ۵۸ قرار گرفته است، البته امید است که با عزم ملی بتوان بر مشکلات غلبه کرد و جایگاه کشور را ارتقا داد.

از مهم‌ترین قوانینی که برای پاسخ به این نیاز اجتماعی و اقتصادی تصویب شده است، قانون تجارت الکترونیک (مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷) است. این قانون مشتمل بر ۶ باب و ۸۱ ماده است.

مهم‌ترین مقرری قانون تجارت الکترونیکی که در مورد الکترونیکی‌شدن دادرسی مدنی نیز متسری است، ماده ۷۸ این قانون ذیل باب پنجم (جبران خسارت) است که مقرر می‌نماید: «هرگاه در بستر مبادلات الکترونیکی در اثر نقص یا ضعف سیستم مؤسسات خصوصی و دولتی، به جز در نتیجه قطع فیزیکی ارتباط الکترونیکی، خسارتی به اشخاص وارد شود، مؤسسات مزبور مسؤول جبران خسارات وارده می‌باشند، مگر اینکه خسارات وارده ناشی از فعل شخصی افراد باشد که در این صورت جبران خسارات بر عهده این اشخاص خواهد بود.»

۳-۵. آیین‌نامه‌ها: مهم‌ترین آیین‌نامه‌ای را که می‌توان در آن به الکترونیکی‌شدن دادرسی مدنی اشاره داشت، سند طرح تحول قضایی است که از سوی ریاست قوه قضاییه وقت در سال ۱۳۹۸ به تمامی سازمان‌ها و واحدهای تابعه این قوه ابلاغ شد و در مواد مختلف آن به موضوع، الکترونیکی‌شدن دادرسی‌ها و ابعاد مختلف آن اشاره شده است (۳۳). برای نمونه، در بند یک راهبرد شماره یک تحت عنوان «شناسایی هوشمند آرای متعارض و قوانین و مقررات متعارض، مبهم و ناقص» آمده است: «جمع‌سپاری ثبت مصادیق آرای متعارض و داده کاوی اطلاعات «سامانه مدیریت پرونده» به منظور افزایش صدور آرای وحدت رویه قضایی با ایجاد رویه واحد» یکی دیگر از مواردی که نشان‌دهنده رویکرد این آیین‌نامه نسبت به

الکترونیکی‌شدن دادرسی مدنی است، در ذیل راهبرد شماره ۳ آن تحت عنوان «ایجاد سامانه دستیار هوشمند قضایی» جلوه‌گر می‌باشد که مجدداً یکی از نمودهای الکترونیکی‌شدن دادرسی مدنی است. همچنین در این آیین‌نامه یکی از راهکارهای اصلی پیشگیری از صدور نظرات کارشناسی نادرست، ایجاد سامانه و کاربرگ‌های استاندارد با قابلیت اتصال به سامانه مدیریت پرونده است.

«آیین‌نامه جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی» یکی دیگر از اسناد مهم است که قابلیت تسری در ارتباط با سامانه‌های هوش مصنوعی نیز دارد. این آیین‌نامه چندین بعد را دربر می‌گیرد: اولاً اینکه می‌توان با اینکه ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی مشمول این عنوان قرار گرفته‌اند، با تسری به آن دسته از ارائه‌دهندگان خدمات هوش مصنوعی که در فضای اینترنتی فعالیت می‌نمایند نیز قابل تسری دانست. ثانیاً این دسته از اشخاص ملزم هستند که بر اساس ماده ۵ این آیین‌نامه نسبت به ذخیره اطلاعات مربوط به کاربران خود تا حداقل شش ماه پس از پایان قرارداد کاربر اقدام نموده و در صورت درخواست مقام قضایی نسبت به ارائه این اطلاعات اقدام نمایند، البته چالشی که در اعمال این آیین‌نامه‌ها برای سامانه‌های هوش مصنوعی پدید می‌آید، این می‌باشد که برخی از اقسام سامانه‌های هوش مصنوعی به ویژه آن دسته که در شبکه بلاک چین استقرار می‌یابند، غیر متمرکز بوده و اجرای برخی از مواد آیین‌نامه مانند ماده ۳۵ با چالش مواجه خواهد شد (۳۴).

## روش

روش تحقیق در این مقاله، توصیفی - تحلیلی است.

## ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

## یافته‌ها

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که هوش مصنوعی در حوزه دادرسی‌های پزشکی و درمانی می‌تواند نقش مؤثری در بهبود کارایی، دقت و سرعت فرآیندهای قضایی ایفا کند. مطالعات مختلف به کارگیری هوش مصنوعی در تحلیل داده‌های پزشکی، تشخیص خطاهای درمانی و پیش‌بینی نتایج درمانی اشاره دارند، با این حال، چالش‌های حقوقی و اخلاقی متعددی نیز مطرح است، از جمله این چالش‌ها می‌توان به نگرانی‌های مربوط به حفظ حریم خصوصی بیماران، امنیت داده‌های پزشکی، مسئولیت‌پذیری در صورت بروز خطاهای هوش مصنوعی و تبعیض‌های الگوریتمی اشاره کرد. در نظام حقوقی ایران، فقدان چهارچوب‌های قانونی مشخص برای استفاده از هوش مصنوعی در دادرسی‌های پزشکی، نیاز به تدوین قوانین و مقررات جدید را ضروری می‌سازد.

## بحث

به نظر می‌رسد که مهم‌ترین بحث در حوزه استفاده از هوش مصنوعی در زمینه دادرسی‌های پزشکی و دارویی، کاربرد هوش مصنوعی به نحوی باشد که حفاظت از حریم خصوصی شود.

## نتیجه‌گیری

در نتیجه‌گیری می‌توان بیان داشت که اگرچه فناوری‌های هوش مصنوعی به سمت خودمختار شدن کامل به پیش می‌روند، اما در حال حاضر، در اکثریت فناوری‌های هوش مصنوعی، این اختیار کامل دیده نمی‌شود و مبتنی بر تصمیم‌گیری‌های انسانی فعالیت می‌نمایند و از این رو، نمی‌توان ایراد گروه اول را مورد پذیرش قرار داد. در کنار این موضوع، این مسأله نیز مطرح می‌گردد که آیا امکان به کارگیری هوش مصنوعی به عنوان قاضی در تمامی دعاوی حقوقی وجود دارد یا اینکه این دعاوی به صورت خاص خواهد بود. در پاسخ به این سؤال باید به این امر توجه داشت که اگرچه هیچ تصریح قانونی در ارتباط با محدوده کاربرد هوش

مصنوعی به عنوان قاضی در فرآیند رسیدگی‌های حقوقی وجود ندارد، اما کارکردهای هوش مصنوعی به عنوان قاضی به ویژه با توجه به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی قابل توجیه است. در این دو مقرر قانونی تصریح شده است که قضات در موارد مواجهه با ابهام، خلأ و سکوت قوانین بایستی با رجوع به منابع معتبر فقهی و با تکیه بر استدلال‌ات خود به حل و فصل قضیه بپردازند. این پرسش ایجاد می‌شود که در این قضایا که در نظام‌های حقوقی کامن‌لا هم چون ایالات متحده آمریکا بدان «پرونده‌های بدیع» اطلاق می‌گردد؛ می‌توان هوش مصنوعی به عنوان قاضی مورد استفاده قرار بگیرد؟ پاسخ به این سؤال در نظام‌های حقوقی کامن‌لا که قضات نقش ایجادکننده قوانین نیز برخوردارند، با چالش‌های متعدد همراه است، اما در نظام‌های حقوقی نوشته همچون ایران، به نظر می‌رسد که بتوان از هوش مصنوعی به عنوان قاضی استفاده نمود.

با این حال، چالش‌های مختلفی در روند کاربرد هوش مصنوعی به عنوان قاضی در فرآیند رسیدگی‌های حقوقی ممکن است مطرح شوند که عبارتند از:

۱- جانب‌داری الگوریتمیک: جانب‌داری الگوریتمیک به وضعیتی اطلاق می‌شود که هوش مصنوعی به عنوان قاضی، یکی از اطراف دعوی را به دلیل الگوریتم‌هایی که در آن طراحی شده است، به صورت متفاوتی مورد توجه قرار داده و بر اساس آن، تصمیم‌گیری می‌نماید. همان‌گونه که قاضی هادج (Hudge) از قضات دیوان عالی کشور انگلستان اشاره نموده است، جانب‌داری الگوریتمیک ممکن است به چند دلیل عمده واقع شود: ۱- داده‌هایی که در توسعه و بسط هوش مصنوعی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ ۲- داده‌هایی که سامانه هوش مصنوعی در زمان تصمیم‌گیری قضایی خود آن‌ها را مورد پردازش قرار می‌دهد؛ ۳- فرد یا سازمانی که داده‌ها را ایجاد نموده است.

جانب‌داری الگوریتمیک را نمی‌توان از هوش مصنوعی به عنوان قاضی دور نگه داشت، چراکه همان‌گونه که قضات انسانی ممکن است به دلایل مرتبط با تعصبات قومی، ملی و مذهبی، تصمیمات سوگیرانه‌ای را اتخاذ نمایند، برنامه‌نویس‌ها نیز

### مشارکت نویسندگان

سیدامیر باشی‌پور حقیقی: گردآوری و نگارش مقاله.

خدیجه شجاعیان: راهنمایی و نظارت بر مقاله.

حسین علایی: مشاوره در نگارش مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت

پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

### تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

### تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق،

تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

### تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای

تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

### بیانیه هوش مصنوعی

نویسندگان اعلام می‌دارند که از سامانه‌های هوش مصنوعی به

منظور تدوین و اصلاح این مقاله استفاده نشده است.

ممکن است جانبداری‌ها و جهت‌گیری‌های خود را به هوش مصنوعی انتقال دهند.

۲- اعمال صلاحدید قضایی: سامانه‌های هوش مصنوعی که در فرآیند رسیدگی قضایی مورد استفاده قرار می‌گیرند، بر اساس منطق‌های خاصی برنامه‌نویسی شده‌اند. این منطق‌ها و قواعد بر اساس قواعد و معیارهای خشک و از پیش تعیین‌شده، مقرر شده‌اند. این در صورتی که اصل اعمال صلاحدید قضایی که نوعی انعطاف‌پذیری نسبت به قضایای مورد رسیدگی است، با قاعده انصاف منطبق است. از این رو نمی‌توان از هوش مصنوعی برای اعمال صلاحدید قضایی که خاص قاضی انسانی است، انتظار داشت که این موضوع در رسیدگی‌های حقوقی، یکی از چالش‌های به کارگیری‌های آن‌ها به عنوان قاضی است.

در نهایت پیشنهاد این تحقیق آن است که بایستی از تجربیات سایر نظام‌های قضایی در جهت هوشمندسازی بهره گرفت برای نمونه در ایالات متحده مشکلاتی که برای این سیستم از مدیریت پرونده قضایی پیش‌بینی شده است: امنیت اطلاعات و محافظت در برابر داده‌هایی است که می‌تواند توسط افراد غیر مجاز، چه قبل، چه در هنگام و چه بعد از گزارش نادرست آن‌ها را گردآوری یا تغییر دهید. این امر می‌تواند با اجرای کنترل‌های کافی بر روی سیستم‌های الکترونیکی (به عنوان مثال فایروال، رمز عبور، ضد ویروس و...) مرتفع شود. طیف گسترده‌ای از اقدامات ایمنی به سرعت در جهت رفع بسیاری از نگرانی‌ها تکامل یافته است و گرچه هنوز هم یک عامل اصلی است، اما مسائل مربوط به امنیت امروزه بسیار مؤثر و برطرف می‌شوند. به عنوان مثال، امضای دیجیتال، رمزگذاری، زیرساخت کلید عمومی (PKI: Public Key Infrastructure) پیشرفت کرده و راه حل‌های معتبر، اما معتبر از نظر احراز هویت و امنیت سیستم را برای دادگاه‌ها در نظر گرفته است که هر نوع سیستم پرکردن الکترونیکی را ارائه می‌دهند. برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد مسائل امنیتی مربوط به امکان‌سنجی سیستم پرکردن الکترونیکی، لطفاً به بخش موضوعات تکنولوژیکی که تحت عنوان «امکان‌سنجی» مورد بحث قرار گرفته است، مراجعه کنید (بخش VII (ج) (IV)).

## References

- Shahidi M. Civil Law (Effects of contract and obligations). 6th ed. Tehran: Majd Publications; 2014. [Persian]
- Emami H. Civil Law. 3rd ed. Tehran: Eslamie Publication; 2008. [Persian]
- Jafari Langrudi MJ. Legal terminology. Tehran: Gang-e Danesh Publications; 1997. [Persian]
- Harlow C. Understanding Tort Law. 3rd ed. London: Sweet & Maxwell; 2005.
- Katouzian N. Elementary Courses of Iranian Civil Law (Juridical Facts). Tehran: Enteshar Publication Co; 2009. [Persian]
- Katouzian N. Elementary Courses of Iranian Civil Law (Juristic Acts). Tehran: Enteshar Publication Co; 2011. [Persian]
- Hayati AA. Civil Law (General principles of contracts). 1st ed. Tehran: Mizan Publication; 2013. [Persian]
- Safai SH. Elementary Courses of Iranian Civil Law. Tehran: Higher Institute of Accounting; 1972. Vol.2. [Persian]
- Salehi HR. Legal nature of treatment contracts. MLJ. 2013; 7(27): 127-160. [Persian]
- Katouzian N. General principles of contracts (Formation and Validity Legal Sanction). Tehran: Gang-e Danesh Publication; 2017. [Persian]
- Katouzian N. Introduction to the Science of Law. Tehran: Enteshar Publication Co; 2007. [Persian]
- Mohaghegh Damad SM, Kanavati J, Vahdati Shobiry H, Abdi Poor A. Contract Law in the Imamieh Jurisprudence. 1st ed. Tehran: Samt Publications; 2000. [Persian]
- Nekouei M. Non Responsibility Clause. Tehran: Mizan Publication; 2011. [Persian]
- Markesinis B, Deakin S. Tort Law. New York: Oxford University Press; 1999.
- Khoshnoodi R. Changes in Principles of medical liability in French law. Iran J Forensic Med. 2014; 20(4 and 1): 417-425. [Persian]
- Shoja Poorian S. Civil liability due to medical errors. 1st ed. Tehran: Ferdosi Publications; 1994. [Persian]
- Burrows A. A restatement of the English law of contract. Oxford: Oxford University Press; 2016.
- Lewis MA, Tampo CD. Medical Law, Ethics, Bioethics for the Health Professions. 6th ed. Philadelphia: F.A. Davis Company; 2007.
- Miller RD. Problems in Health Care Law. 9th ed. Sudbury: Jones and Bartlett Publishers; 2006.
- Barker D, Padfield C. Law Made Simple. Oxford: Oxford University Press; 1998.
- Katouzian N. General principles of contracts (Effects of Contract). Tehran: Gang-e Danesh Publications; 2019. [Persian]
- Yazdanian A, Araei H. A comparative Study of Explaining of the Hospital Civil Liability in order to Their Employee's Actions and its Analysis in Line with the Liability Arising from the Act of Other. Journal of Comparative Law. 2014; 1(2): 151-180. [Persian]
- Katouzian N. General principles of contracts (Performance of Contract). Tehran: Gang-e Danesh Publication; 2018. [Persian]
- Dalvand FA. Division of civil liability. 1st ed. Esfahan: Dadyar Publication; 2007. [Persian]
- Miller AJ. Contractual liability of physicians and surgeons. Washington University Law Quarterly. 1953; 1953(4): 413-436.
- Treitel G. The Law of Contract. 14th ed. London: Sweet & Maxwell; 2015.
- Brazier M. Medicine, Patients and the Law. London: Penguin Books; 1992.
- Safai SH. Basis of Civil Liability of Physicians with a Glance at the New Bill for Islamic Penal Code. Journal of Judicial Law Views. 2012; 17(58): 141-156. [Persian]
- Darab Pour M. Civil Liabilities (Damages & Restitution). 2nd ed. Tehran: Majd Publication; 2011. [Persian]
- Katouzian N. Proof and Reason for Proof. Tehran: Mizan Publication; 2016. Vol.1. [Persian]
- Bahrami Ahmadi H. Civil Law (Introduction to Contract Law). 2nd ed. Tehran: Mizan Publications; 2007. [Persian]
- Ruff A. Nutcases Contract Law. 2nd ed. Tehran: Mizan Publications; 2011. [Persian]
- Katouzian N. Iranian Civil Law (A comparative study extra contractual obligation). Tehran: University of Tehran Publications; 2003. [Persian]
- Jourdain P. Principles of civil responsibility. 1st ed. Tehran: Mizan Publications; 2007. [Persian]